

بازنمایی زنان در بایاتی‌های آذربایجان

(صفحات ۹ تا ۳۲)

DOR: 20.1001.1.17358663.1402.18.54.1.9

نوع مقاله: پژوهشی

زیبا اسماعیلی^۱

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶

چکیده

ادبیات شفاهی، برخلاف ادبیات رسمی، نمایانگر فرهنگ اجتماعی مردم یک سرزمین است، اما سهم زنان به‌عنوان آفرینندگان ادبی و شناخت هویت ایشان بر اساس سروده‌هایشان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هدف این پژوهش بازنمایی زنان در بایاتی‌های آذربایجان است. رهیافت نظری تحقیق منطبق با نظریه‌های بازنمایی است. روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی است. جامعه آماری پژوهش ۴۵۶۷ بایاتی است که در دو مجموعه «اصیل بایاتی‌لار» و «بایاتی‌لار» گردآوری شده است. در بسیاری از این بایاتی‌ها وجود نشانه‌های زبانی دلالت بر مرد بودن یا زن بودن سراینده دارد که نگاه زنان به هویت خودشان را در نظام اجتماعی مردم آذربایجان نمایان می‌سازد. بر اساس محتوای آثار نقش زنان در انتخاب همسر، در جایگاه مادری، در جایگاه خواهری و دختری، در اداره امور خانه، وابسته در امور مالی و به‌عنوان ابزار کام‌جویی بازنمایی شده است. بر اساس این سروده‌ها در نظام اجتماعی مردم آذربایجان، زنان جایگاه پایین‌تری نسبت به مردان دارند. در بایاتی‌های سروده زنان، صدای اعتراض ایشان به مسائل اجتماعی و فرهنگی چون ازدواج اجباری، به گوش می‌رسد. در مقابل، وجود ازدواج ربایشی نشان‌دهنده جایگاه عشق در نگاه مردان و زنان آذربایجان است. به‌طور کلی تصویر ارائه شده از زنان در بایاتی‌ها تصویر مثبتی است و برچسب‌های کلیشه‌ای منفی رایج در سایر فرهنگ‌ها در این نوع ادبی مشاهده نشد، اما در بیشتر بایاتی‌ها زنان هویتی وابسته به مردان دارند.

واژگان کلیدی: بازنمایی، زنان، هویت، بایاتی.

esmaeili.ziba@sru.ac.ir

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

۱- بیان مسأله

ترانه‌های محلی در اقلیم‌های مختلف، سروده عامه مردم بوده‌اند از این رو این ترانه‌ها آینه‌دار فرهنگ، سنت، آداب و رسوم، نوع زندگی و معیشت مردم هر اقلیم است. این ترانه‌ها «نتیجه تجربیات و ارتباطات بین مردم آن قوم با یکدیگر، با اقوام و مناطق دیگر، با طبیعت و محیط زندگی آن‌ها است» (امرابی، بازوند، ۱۳۹۹: ۵۲).

بایاتی، یکی از انواع ترانه‌های محلی اقلیم آذربایجان است. بایاتی‌ها اغلب توسط عاشیق‌ها با ساز و آواز خوانده می‌شد. آن‌ها در اعیاد و عروسی‌ها، در بازارها، قهوه‌خانه‌ها و در تمام مجالس و محافل عمومی مردم، با ساز و آواز حاضر می‌شدند. «عاشیق‌ها در قدیم «اوزان» (ozan) نامیده می‌شدند و «قوپوز» (kopuz) شکل اولیه ساز امروزین عاشیق‌ها بوده است. «عاشیق» در جامعه ترکان بعد از اسلام و پیش‌تر از اسلام - به روایت کتاب ده ده قورقود- نقش مقدسی داشته است» (محمدی، ۱۳۷۶: ۶۶). ساختار بیرونی بایاتی شبیه به ترانه است. هدف شاعر در مصراع چهارم بیان می‌شود و غافلگیرکنندگی مضمون در آن چشمگیر است (اسرافیلی، ۱۳۸۷: ۱۷). وزن بایاتی هجایی است (هاشم‌زاده، ۱۳۷۷: ۶۲) و مضامین بازتاب یافته در بایاتی‌ها «مضامینی چون عشق و دلدادگی، غم غربت، تظلم از بیداد، شکایت از گردون و مردی و نامردی» است (کاظمی جویباری، ۱۳۷۷: ۱۲۴). این نوع ادبی در طول تاریخ به صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه نقل شده، در همین انتقال‌ها تغییرات بسیاری پذیرفته است. این تغییرات از جهات بسیاری به‌خصوص از جهت فرهنگی قابل تأمل و تفکر است. مسائلی که بررسی دقیق‌تر آن بسیاری از نمودهای فرهنگی مردم آذربایجان را آشکار می‌کند. یکی از مسائل مهم فرهنگی بازتاب یافته در بایاتی‌ها وجود نشانه‌هایی از زبان مردانه و زبان زنانه در این نوع سروده‌ها است. در برخی از بایاتی‌ها شاعر با به کارگیری الفاظ خاصی، به جنسیت خود اشاره می‌کند و به این ترتیب می‌توان دانست که سراینده شعر یک مرد یا یک زن بوده است.

جنسیت یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که با توجه به نظام‌های اجتماعی و تفاوت‌های فرهنگی بر رفتار و نگرش افراد تأثیر می‌گذارد. تفاوت‌های جنسیتی تحت تأثیر مستقیم فرهنگ جامعه نقش‌هایی را برای هر دو جنس تعیین می‌کند. «رفتارها که فرهنگ و سنت‌ها آن را تعیین می‌کنند، به اعضای جامعه تصوراتی کلیشه‌ای از رفتار

مناسب هر جنس را می‌دهد که از طریق جامعه‌پذیری منتقل می‌کند» (اعزازی، ۱۳۹۰: ۱۷۹). «جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی از سنین کودکی آغاز می‌شود. در حقیقت از لحظه تولد با نوزاد دختر و پسر به طرز متفاوتی رفتار می‌شود. والدین یک سری تصورات قالبی در مورد تفاوت‌های زن و مرد را از فرهنگی که بدان تعلق دارند یاد گرفته‌اند و بر اساس این تصورات قالبی از فرزندانشان انتظارات متفاوتی دارند» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۹۱). دوبار بر این عقیده است که جنسیت فیزیکی زنان در هویت فرهنگی و اجتماعی آنان تأثیرگذار نیست بلکه هویت زنان در داخل جامعه ساخته می‌شود و شکل می‌گیرد (دوبار، ۱۳۹۶: ۱۳). جنکینز، بر متغیر جنسیت در هویت بخشی تأکید می‌کند. به نظر او جنسیت در کانون دیدگاه فردیت قرار دارد (جنکینز، ۱۳۹۴: ۱۰۳). جنسیت و هویت تأثیر پذیرفته از آن، در ساختار اجتماعی و فرهنگی تعریف شده، در زبان جاری می‌شود. «هویت و بازتاب شناختی - رفتاری آن عمدتاً وابسته به زبان و ارتباطات است و همچون جنسیت از تعاملات اجتماعی سر می‌زند. ذهن و زبان، مقولات جنسیتی را در سلوک انسانی - اجتماعی جاری می‌سازند و هویت‌کنشگر را در این پرتو رقم می‌زنند. مقولات اجتماعی متجلی در مقولات زبانی، خود طریقی برای درک ساخت و سازمان اجتماعی به شمار می‌روند» (محمودی اصل، ۱۳۸۸: ۱۸۹). بنا بر نظر هال، بازنمایی هویت از بعد برساختی با ویژگی‌های عمومی و اجتماعی زبان انطباق دارد. «بازنمایی معنا و زبان را با فرهنگ پیوند می‌زند و بخش اصلی فرایندی است که به واسطه آن معنا تولید و میان اعضای یک فرهنگ مبادله می‌شود» (هال، ۱۳۹۳: ۳۱). در واقع بازنمایی مجموعه‌ای از معانی را درباره یک موضوع مهم به وجود آورده، توزیع می‌کند (پیشگامی فرد و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴). نظام زبان با لایه‌های اجتماعی در ارتباط است. افرادی چون جرج هربرت مید روان‌شناس آمریکایی و آنتوان میه زبان‌شناس فرانسوی بر خصلت اجتماعی زبان و بررسی آن در بافت اجتماعی تأکید داشته‌اند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۳).

ترادگیل زبان را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی در ارتباط با ساختارهای اجتماعی و ارزش‌های جامعه می‌داند (Trudgill, 1992: 116). یول جنسیت را یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نظام زبان می‌داند. به نظر او جنسیت اجتماعی به کاربرد زبان جنسیتی می‌انجامد و این مسئله تفاوت‌های بین واژه‌های مورد استفاده زنان و مردان را در بسیاری از زبان‌ها توجیه می‌کند (یول، ۱۳۸۵: ۳۱۳). لیکاف بر این باور است که موقعیت‌های

اجتماعی به تفاوت‌های زبانی زنان و مردان می‌انجامد (Lakoff, 1973:46). زبان‌شناسی با تأکید بر کلمات و جملات به بازشناخت چگونگی کاربرد زبان نهادینه شده، در طبقات مختلف اجتماعی می‌پردازد. شناخت نقش زبان در روابط جنسیتی «در اشکال برادر - خواهر، مادر - پسر، پدر - دختر، زن - شوهر، مرد - مرد، زن - زن و مرد - زن نمودار می‌شود که این زبان بسته به وضعیت آحاد جامعه در مواضع گوناگون اجتماعی کاربرد می‌یابد حتی جلوه‌های متفاوتی در فولکلور کسب می‌کند» (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۳۳). بررسی اشعار محلی شیوه زندگی زنان و مردان و جایگاه اجتماعی ایشان را هر چه بیش‌تر آشکار می‌کند. در بایاتی‌های آذربایجان نشانه‌های زبانی آشکاری به کار رفته است که زن بودن یا مرد بودن سراینده را آشکار می‌کند. بررسی این سروده‌ها مسائل فرهنگی جامعه آذربایجان و جایگاه اجتماعی زنان در میان مردم این جامعه را مشخص می‌نماید. هدف این پژوهش بازنمایی زنان در بایاتی‌های آذربایجان است. بررسی هویت زنان از نگاه زنان و مردان به صورت مجزا مورد توجه قرار گرفته تا نقش و جایگاه زنان در این جامعه بررسی شود. به این ترتیب می‌توان هویت فردی و اجتماعی زنان و انتظارات عمومی از ایشان را از ادبیات شفاهی مردم با تحلیلی جامعه‌شناسانه استخراج کرد.

۲. ادبیات پژوهش

در زمینه بازنمایی زنان، جایگاه و نقش اجتماعی ایشان در ترانه‌های فولکلور، ضرب‌المثل‌ها، لالایی‌ها و داستان‌های عامیانه پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است. در پژوهش ملکی (۱۳۸۹) بازنمایی زنان در ترانه‌های فولکلوریک لکی و لری، بررسی شده است. بر اساس این پژوهش در این ترانه‌ها نگاه جنسیتی در تقسیم کارها مشاهده می‌شود. نقش‌های زنان و مردان در ترانه‌ها جدا شده و انتظارات از هر جنس تعریف و مشخص شده است.

- در پژوهش دیگری فاضلی و ملکی (۱۳۹۰) بازنمایی زنان در ترانه‌های فولکلوریک زبان کردی را بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که به شکل کلی در ترانه‌ها نگاه انسانی توأم با احترام به زنان و توجه به تأمین حقوق آنان وجود دارد.

- پورنعمت رودسری و دیگران (۱۳۹۳) لالایی‌های استان بوشهر را با شیوه بازنمایی اجتماعی بررسی کرده، به این نتیجه رسیده‌اند که علاوه بر حس مادرانه در

لالایی‌ها، این اشعار منعکس‌کننده فرهنگ بومی و اوضاع اجتماعی و فرهنگی هم هستند. این سروده‌های زنان مملو از انگاره‌های اجتماعی بوده و درک زنان از موقعیتشان در این لالایی‌ها منعکس شده است.

- محمدپور و دیگران (۱۳۹۱) به مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی (گوش سورانی، مکریانی) پرداخته‌اند. پژوهشگران جایگاه زنان در فرهنگ مردم کرد را با تکیه بر ضرب‌المثل‌ها بررسی کرده، به این نتیجه رسیده‌اند که نگاه به زن در ضرب‌المثل‌ها، متنوع، نامتعیّن و گاه متناقض است.

- کریمی و دیگران (۱۳۹۹) بازنمایی هویت زن در ضرب‌المثل‌های لکی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که زنان در این ادبیات، هویت مرتبه دوم دارند. برتری با مردان است و زنان تنها در کنار مردان هویت می‌یابند.

پژوهش‌های دیگری به بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های مناطق مختلف پرداخته‌اند، از جمله: خزلی و سلیمی، ۱۳۹۵؛ شعبانی، ۱۳۹۵؛ موحد و دیگران، ۱۳۹۱؛ ابتکاری و دیگران، ۱۳۹۶؛ امین‌الرعايا و دیگران، ۱۳۹۴؛ هریک به بازنمایی جایگاه زنان در ضرب‌المثل‌های کردی و عربی، گیلکی، لامرد، لری، فارسی پرداخته‌اند. در اغلب این پژوهش‌ها زنان در جایگاه فروتر از مردان هستند و ویژگی‌های مثبت و منفی دارند.

در زمینه بایاتی‌ها تاکنون پژوهش‌های زیادی انجام نگرفته است. طوسی نصرآبادی (۱۳۹۴) وزن بایاتی‌های ترکی آذربایجانی را در ۱۰۰ بایاتی بررسی کرده، به این نتیجه رسیده است که وزن بایاتی تکیه‌ای - هجایی است و تعداد تکیه‌ها و هجاها و محل قرار گرفتن تکیه‌ها در بافت شعر در ایجاد وزن تأثیرگذار است.

بررسی‌های انجام‌شده مشخص کرد که تاکنون بازنمایی زنان نه تنها در بایاتی‌ها بلکه در ادبیات محلی آذربایجان بررسی نشده است و علیرغم جستجوی بسیار هیچ پژوهشی در این زمینه یافته نشد.

۳- روش پژوهش

این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی انجام گرفته است. داده‌های پژوهش با مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است. جامعه آماری این تحقیق ۴۵۶۷ بایاتی است که مجید عبدالله زاده در کتاب «اصیل بایاتیلار» و محمد عبادی قاراخانلو در کتاب «بایاتی‌لار» گردآوری کرده، به چاپ رسانیده‌اند. این بایاتی‌ها موضوعات متفاوتی دارند؛

چون اوخشاما، لایلیلار، سایالار، تاپماجالار و غیره. در پژوهش حاضر، این بایاتی‌ها با واکاوی معنایی آن‌ها بررسی شده، نشانه‌های زبان زنانه و مردانه همراه با بررسی ریشه‌های فرهنگی بازتاب یافته در آن‌ها تحلیل شده است.

۴- تحلیل تجربی

یافته‌های پژوهش در هفت مقوله اصلی دسته‌بندی شده‌اند. نقش زنان در انتخاب همسر، در جایگاه مادری، در جایگاه خواهری، در جایگاه دختر، در اداره امور خانه، در امور مالی و ابزار کام‌جویی بررسی شده است. نگاه کلی حاکم بر بایاتی‌ها نگاه سنتی به زن است و هویت زنان بیش‌تر در حوزه خانواده نمایانگر است. اگرچه نگاه کلی فرهنگ اجتماعی نسبت به زنان همچنان در دوران مدرن نیز مشاهده می‌شود.

۴.۱ انتخاب همسر

یکی از پربسامدترین مسائل بازتاب یافته در بایاتی‌های سروده زنان، مسائل مربوط به ازدواج است. با توجه به مفاهیم بازتاب یافته در این سروده‌ها می‌توان دانست که در فرهنگ آذربایجان انتخاب همسر اغلب توسط خانواده و با توجه به مصلحت‌اندیشی ایشان اتفاق می‌افتاد. در برابر این مسئله، صدای اعتراض زنان در برابر ازدواج‌های نامناسبی چون ازدواج با مردان پیر، ازدواج اجباری و... شنیده می‌شود که نشان‌دهنده وجود چنین ازدواج‌هایی و اکراه دختران از این قبیل ازدواج‌ها است.

ازدواج عامل هویت‌بخش

در نظام و عرف اجتماعی مردم آذربایجان، ازدواج مهم‌ترین هدف دختران شناخته می‌شده است. دختران باید تلاش می‌کردند تا در این زمینه موفق باشند. ازدواج عاملی هویت‌بخش برای زنان بوده، به گونه‌ای که بدون داشتن همسر، زندگی برای ایشان بسیار دشوار و طاقت‌فرسا بوده است. گویی زنان در این نظام اجتماعی هویت مستقلی ندارند و هویت اجتماعی ایشان در گرو داشتن همسر است. از این رو نداشتن همسر، شرایط طاقت‌فرسایی ایجاد می‌کرده است که زنان در سروده‌های خود به آن اشاره کرده‌اند.

مخلم خاییم یوخدور / گولم صاحبیم یوخدور

هر اوزونه دوزره‌م / بوجورا تاییم یوخدور (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ۴۲)

برگردان: مخملی هستم که پرز نداره / گلی هستم که صاحبی نداره

هر چیزی را تحمل می‌کنم / اما تحمل این شرایط را ندارم

با توجه به کاربرد نشانه مخمل و گل که به صورت استعاری برای زنان به کار می‌رود، این بایاتی سروده یک زن است که در آن از نداشتن همسر شکایت می‌کند.

داغلاری آشدیم آنجاق / تئلمده ساری سانجاق

نه قیز اولدوم نه گلین / اوتلارا یاندیم آنجاق (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ۵۳)

برگردان: از کوه‌ها فرود آمدم / روی طره‌ام سنجاق زرد دارم

نه دختر شدم نه عروس / در آتش‌ها سوختم

در این بایاتی نیز سراینده با توصیف ظاهر خود، آشکارا از نشانه‌های زنانه خود سخن می‌گوید و عبارت نه دختر شدم نه عروس، بیانگر بی‌همسری سراینده است.

داشتن همسر به قدری اهمیت داشته که زنان حاضر به قبول خشونت از جانب همسر خود بوده‌اند، چون قبول کردن بی‌همسری دشوارتر از قبول خشونت بوده است.

قلیمی او یوب گنتمه / نار کیمی سویوب گنتمه

قیلینجین وور بونوما / سرگردان قویوب گنتمه (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ص ۹۵)

برگردان: قلبم را خالی نکن و نرو / قلبم را مثل اناری پوست نکن و نرو

خنجرت را به گردنم بزن / ولی سرگردانم نکن و نرو

ازدواج اجباری

با وجود اهمیت ازدواج در فرهنگ آذربایجان، سروده‌هایی در مورد ازدواج‌های ناخواسته و اجباری وجود دارد که نشان می‌دهد اگرچه ازدواج برای زنان و دختران اتفاقی بسیار مهم و تأثیرگذار است اما ازدواج به هر قیمتی و در هر شرایطی مورد پذیرش ایشان نبوده است. سرودن اشعاری چون «خوش به حال دختری که او را به محبوبش شوهر دهند» نشان‌دهنده کثرت ازدواج‌های اجباری در جامعه آذربایجان و تسلیم دختران در برابر تصمیم خانواده است.

قیزیل گولو دررلر / مخمل اوسته سررلر

خیری اولسون او قیزین / سئوگی سینه وئرلر (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ۲۰)

برگردان: گل سرخ را می‌چینند / روی مخمل پهن می‌کنند

خوش به حال دختری که / او را به معشوقش شوهر دهند

یکی از نمودهای ازدواج اجباری، ازدواج دختران با مردان پیر یا مردان ازدواج کرده، بوده است. ازدواج دختران با مردان پیر یا مردانی که قبلاً ازدواج کرده‌اند از دیرباز

در فرهنگ بیش‌تر اقوام ایرانی وجود داشته، اغلب با تصمیم خانواده، بر اساس مصلحت ایشان و البته اغلب بدون رضایت دختران اتفاق می‌افتاده است. زنان در بایاتی‌های سروده خود به این سنت غلط اعتراض کرده‌اند. به این ترتیب می‌توان حدس زد که اگرچه نظام حاکم بر جامعه آذربایجان تحت تأثیر فرهنگ عمومی و عرف زمان‌های دور بوده، اما امکان اعتراض به سنت‌های غلط و قوانین تعریف‌شده جامعه در میان زنان وجود داشته است و زنان تسلیم محض شرایط تعریف شده، نبوده‌اند.

باغ ینمیشین یندیم من / اوره ک سوزون دندیم من
هئچ ا...ا روادیر / آغ ساققالا گندیم من؟ (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ۷۵)
برگردان: زالزالک باغ را خوردم / حرف دلم را زدم
خدا را خوش می‌آید / من زن یک ریش سفید شوم؟

چای آشاغی گنترم / چادیرامی ینللمرم
خوروز گوز اوغلان گرک / دول کیشی یه گنترم (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۱۸۶)
برگردان: پایین چشمه نمی‌روم / چادرم را پر باد نمی‌کنم
پسری خروس چشم باید باشد / با مردی که ازدواج کرده، ازدواج نمی‌کنم

نشانه‌های زبانی به کار رفته در این دو بایاتی دلالت بر زن بودن سراینده دارد. به این ترتیب زمانی که برای دختران ازدواج‌هایی با فاصله سنی زیاد در نظر گرفته می‌شد با سرودن شعر، نارضایتی قلبی خود را بیان می‌کردند. این سروده‌ها و اعتراض‌ها نمایانگر وجود سنت‌های غلط در خصوص ازدواج دختران بوده است.

ناچارام ها ناچارام / باغلی قایی آچارام
یاریم جوان اولماسا / باش گوتوروب قاچارام (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۱۸۶)
برگردان: ناچارم، ها ناچارم / درهای بسته می‌کشایم
اگر یارم جوان نباشد / فرار می‌کنم

بو دره‌دن قاز گنده / قاقیلداشا، تتر گنده

تانری یا روادیرمی / دول کیشی‌یه قیز گنده؟ (بایاتی لار، ۱۳۹۹: ۱۷۹)

برگردان: از این دره غاز برود / سر و صدا کند و زود برود

آیا خدا را روا است که / دختر همسر مردی شود که زن داشته است.

ازدواج ربایشی

گونه رایج ازدواج در میان مردم آذربایجان است، در شرایطی که ازدواج به شیوه‌های مرسوم و متداول میسر نباشد یا والدین دختر یا پسر به ازدواج آن دو رضایت ندهند، دختر و پسر با هم فرار می‌کنند. در این نوع ازدواج پسر دختر را به قصد ازدواج می‌رباید. در برخی بایاتی‌ها تقاضای ربوده شدن از جانب دختران مطرح می‌شود و در برخی از زبان پسران. وجود این بایاتی‌ها نشان می‌دهد که عاشق و معشوق برای رسیدن به مقصود تمام سختی‌ها را به جان می‌خرند و هر خطری را در این راه می‌پذیرند.

بر اساس این بایاتی‌ها رابطه بین مرد و زن در میان مردم آذربایجان، مبتنی بر دوگانه ضد هم (زن در برابر مرد) نیست، بلکه این دو با ادغام در یکدیگر به یک فرد تبدیل می‌شوند و حاضرند وجود خود را برای دیگری قربانی کنند.

از طرفی با توجه به مضامین بایاتی‌ها، تقاضای ازدواج ربایشی از جانب دختران نیز در زمانی که عشقی دو طرفه جاری بوده، رواج داشته است؛ بنابراین دختران در هنگام عاشقی حاضر بودند حتی قراردادهای اجتماعی را که مانع وصال ایشان بوده، نادیده بگیرند. ایستادن دختر در برابر پدر و خانواده به خاطر عشق، موضوعی تکرارشونده در ادبیات عامیانه است. ازدواج ربایشی نمود خاصی از ابراز مخالفت دختران در برابر تصمیم خانواده است که در میان مردم آذربایجان تداوم دارد.

قارا بوروق ساچ اوغلان / قاپیمیزی آچ اوغلان

آتام آنام یاتیبیدیر / گوتور منی قاچ اوغلان (بایاتی لار، ۱۳۹۹: ۱۴۱)

برگردان: ای پسر با موهای مشکی مجعد / در خانه ما را باز کن

پدر و مادرم در خوابند / بیا تا با هم فرار کنیم

با توجه به نشانه‌های زبانی، سراینده این بایاتی دختری است که با خطاب کردن پسر مورد علاقه خود و توصیف ظاهر او، تقاضای فرار با او و ازدواج ربایشی را مطرح می‌کند.

باشیمدا ساری سانجاق / یاری گول، یاری سانجاق
منی سنه وئرمز لر / گرک من قاجیم آنجاق (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۱۷۹)
برگردان: روی موهایم سنجاق زرد دارم / نیمی گل، نیمی سنجاق است
مرا به همسری تو در نمی آورند / باید فرار کنم
این بایاتی نیز به خاطر وجود نشانه‌ها و دلالت‌های آشکار سروده یک زن است که
ابتدا ظاهر خود را توصیف می‌کند سپس به دلیل مخالفت خانواده با ازدواج او، مسئله
فرار با محبوب را بیان می‌نماید.
گاهی تقاضای فرار از زبان مردان مطرح می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که هر دو
طرف می‌توانستند درخواست‌کننده این نوع ازدواج باشند.
بیر کسیم یوخ ناچارام / هر قاپیبا آچارام
آتان - آنان وئرمه‌سه / آلام سنی قاجارام (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۱۳۲)
برگردان: کسی را ندارم، ناچارم / کلید برای هر دری هستم
اگر پدر و مادرت تو را ندهند / تو را برداشته، فرار می‌کنم

قارا شوه ساچ گلین / دور قاپینی آچ گلین
آتان سنی وئرمه‌بیر / کهری مین قاج، گلین (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۱۹۰)
برگردان: موهایت خیلی سیاه است ای عروس / برخیز در را باز کن ای عروس
پدرت تو را به همسری من در نمی آورد / سوار اسب قهوه‌ای‌رنگ شو و فرار کن ای
عروس

تقاضای ازدواج از جانب دختران
در برخی بایاتی‌ها تقاضای ازدواج از زبان دختران مطرح می‌شود. این تقاضا نیز
چون ازدواج ربایشی زمانی اتفاق می‌افتاده که میان دو طرف رابطه عاشقانه برقرار بوده
است. در این قبیل موارد دختر از پسر تقاضای خواستگاری رسمی دارد. وجود این
بایاتی‌ها نشان‌دهنده وجود روابط عاشقانه پنهانی میان دختران و پسران بوده است.

آی گلیر گون باتانا / گندر ائلر یاتانا
اگر منی سئویرسن / ائلچی گوندر آتانا (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۱۷۷)
برگردان: هنگام غروب آفتاب ماه می‌آید / ایل‌ها به خواب می‌روند

اگر مرا دوست داری / پدرت را به خواستگاری بفرست

نارینجام قاشلا منی / گول کیمی خوشلا منی
سئورسن انلچی گوندر / سئومه‌سن بوشلا منی (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ۱۱۷)

برگردان: من نارنجم مرا قاج کن / من مثل گلم مرا خوش بدان
دوست داری خواستگار بفرست / دوست نداری مرا رها کن

گاهی دختران دل‌سپردگی خود نسبت به پسری را به مادر خود ابراز می‌کنند. این امر خود نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً مطلوب دختران در عشق و ازدواج است.

پنجره‌ده اوزوم وار / آنا سنه سوزوم وار
قونشو اوغلانلارینین / کیچیگینده گوزوم وار (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۱۵۲)
برگردان: در پنجره انگور آویزان است / مادر حرفی با تو دارم
بین پسرهای همسایه را / به کوچک‌ترینشان نظر دارم

فاصله طبقاتی

یکی از مواردی که مانع اصلی ازدواج محسوب می‌شده، فاصله طبقاتی بوده است. در برخی بایاتی‌ها زنان از وجود فاصله طبقاتی میان خود و محبوب سخن می‌گویند و اینکه خانواده هرگز به ازدواج ایشان رضایت نخواهد داد. گاهی نیز دختران یا زنان خود متوجه این تفاوت بوده‌اند و از ازدواج امتناع ورزیده‌اند. بر این اساس به نظر می‌رسد فاصله طبقاتی امری مهم در نظام زندگی زنان آذربایجان بوده است.

قیزیل گولم آشمارام / آشسامدا دولاشمارام
سن دولتلی من کاسیب / من سنه یاراشمارام (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ۶۴)
برگردان: گل سرخم، شکوفا نمی‌شوم / اگر شکوفا شوم به کسی نمی‌پیچم
تو ثروتمندی و من فقیر / من برازنده تو نیستم

گوللری در دسته قوی / گوتور خونچا اوسته قوی

منی سنه وئرملر / الین اوره ک اوسته قوی (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ۱۱۷)
برگردان: گل‌ها را بچین و دسته‌دسته بگذار / بردار و روی خونچه بگذار
مرا به همسری به تو نمی‌دهند / دستت را روی دلت بگذار

اهمیت ازدواج در سنین پایین

بر اساس فرهنگ دیرین ایران، ازدواج در سنین کم برای دختران پسندیده است. بر اساس بایاتی‌ها بهترین سن برای ازدواج دختران پانزده‌سالگی بیان شده است. بر اساس فرهنگ حاکم، دختران از ازدواج زودهنگام خشنود بودند و این موضوع در بایاتی‌ها بازتاب دارد. همین‌طور مردان نیز تمایل به دختران کم‌سال داشته‌اند.

قیزیل اوزوک لاخلادی / وئریم آنام ساخلادی

آناما قوربان اولوم / منی تتر آداخلادی (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ص ۱۲۲)

برگردان: انگشتر طلا لق شد / دادم مادرم نگه دارد

قربان مادرم شوم / مرا زود نامزد کرد

بر اساس نشانه‌های زبانی به کار رفته، این بایاتی سروده یک زن است که خشنودی خود از ازدواج زودهنگام خود را بیان می‌کند.

در بایاتی‌هایی که از زبان مردان مطرح می‌شود تمایل به دختران پانزده‌ساله تکرار

شده که نشان‌دهنده تمایل مردان به ازدواج با دخترانی با این سن بوده است.

بیر قیز سئودیم بیچینده / ساری سونبول ایچینده

من یاریمی سئومیشم / اون بئش یاشین ایچینده (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۹۳)

برگردان: دختری را در هنگام درو پسندیدم / بین سنبل‌های زرد

من عاشق یارم شدم / وقتی که پانزده سال داشت

داغدا پاییز اولاندا / ساری سونبول سولاندا

یارا نیشان گوندرین / اون بئش یاشا دولاندا (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۱۷۵)

برگردان: وقتی در کوهستان پاییز شد / وقتی سنبل‌های زرد پژمردند

برای یار من انگشتر نامزدی بفرستید / وقتی که پانزده‌ساله می‌شود

۲.۴. جایگاه مادر

یکی از مهم‌ترین نقش‌های زنان که تقریباً در ادبیات عامیانه همه مناطق به شکل مثبت بازنمایی شده، نقش مادری زنان است. مادر شخصیت محوری خانواده است که مورد تکریم و احترام اعضای خانواده قرار دارد. در کنار جایگاه رفیع مادری، پشتیبانی عاطفی و روحی او از فرزندان حائز اهمیت است.

خروس بان و ثرن یثرده / یارام قان و ثرن یثرده

آنا گل‌سین اگلش سین / اوغول جان و ثرن یثرده (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ۹۸)

برگردان: جایی که خروس صدا می‌کند / جایی که از زخم من خون جاری می‌شود

مادر بیاید بنشیند / جایی که پسر جان می‌سپارد

زنان در جایگاه مادری مسئولیت مراقبت از فرزندان را به عهده دارند و باید این مسئولیت خطیر را به بهترین نحو به انجام رسانند. زنان خود به این امر مهم وقوف داشته‌اند که در سروده‌هایشان از این مسئله سخن گفته‌اند. در این سروده‌ها مادران با صفات مهربان و دلسوز نسبت به فرزندان خود بازنمایی شده‌اند.

داغلارین لالاسینا / گوزلرین قاداسینا

آنالار قوربان اولسون / اؤز کؤرپه بالاسینا (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ۱۲۳)

برگردان: برای لاله کوه‌ها / برای درد و بلای چشم‌ها

مادرها فدا شوند / فدای فرزندان نوزادشان

اؤینده ائشیکین ده / یات قیزیم بئشیکین ده

بیر من بیر دان اولدوزو / دورموشوق کئشیکینده (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ۹۵)

برگردان: در خانه و کاشانه‌ات / دخترم بخواب در گهواره‌ات

من و ستاره آسمان / مراقب تو خواهیم بود

مسئولیت دیگر مادران آماده‌سازی دختران برای ازدواج است. زنان باید دختران را حمایت کنند تا دختران بتوانند به همسری مردی درآمده، نقش همسری و مادری ایفا کنند تا به این وسیله جایگاه شایسته‌ای در نظام فرهنگی و اجتماعی پیدا کنند.

گیردیم باغا نار اوچون / هیوا دردیم یار اوچون

آنالار قیز بسله‌میش / ایگید اوغلانلار اوچون (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۸۰)

برگردان: وارد باغ شدم به خاطر چیدن انار / به چیدم به خاطر یار

مادرها دختران را آماده کردند / برای پسران جوان
مادران تنها زمانی که با ازدواج دختران یا پسران مخالفت کرده‌اند با صفات منفی
بازنمایی شده‌اند.

قولاغیندا تاناسی / اوستون اورتوب شاناسی
قونشو قیزین سئویرم / وئرمیر ظالیم آناسی (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۲۳۲)
برگردان: در گوشش گوشواره دارد / رویش را شانه‌اش پوشانده
دختر همسایه را دوست دارم / مادر ظالمش نمی‌گذارد
در برابر نقش نیک مادر در بایاتی‌ها و مسئولیت‌های مادرانه او، نقش منفی نامادری
قرار دارد که نشان‌دهنده نوعی تفکر منفی عمومی در نگاه به نقش نامادری در فرهنگ
آذربایجان است.

بو دردلر اویار منی / آل قانا بویار منی
اوگیدن آنا اولماز / سرگردان قویار منی (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۲۲۰)
برگردان: این دردها مرا می‌خورد / به خون سرخ آغشته می‌کند
ناتنی مادر نمی‌شود / مرا سرگردان رها می‌کند

۳.۴. جایگاه خواهر

یکی از نقش‌های پررنگ زنان در بایاتی‌ها، نقش خواهری است. زنان در جایگاه
خواهر، شخصیتی مهربان و وفادار معرفی شده‌اند که حتی در صورت بی‌وفایی برادر،
وفادار به عهد خواهر و برادری می‌مانند. خواهر حمایتگر عاطفی برادر است و در تمام
شرایط حمایت عاطفی خود را دریغ نمی‌کند. سوگ برادران داغی تمام‌نشده برای
خواهران است و گریستن خواهر در سوگ برادر تمامی ندارد.

بیر قوش گلیر آغداشدان / خبر وئریر قارداشدان
قارداش دوپسا باجیدان / باجی دوپماز قارداشدان (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ۸۸)
برگردان: پرنده‌ای از آغداش می‌آید / از برادر خبر می‌دهد
برادر اگر از خواهرش سیر شود / خواهر از برادر سیر نمی‌شود
نداشتن خواهر یکی از محنت‌های مردان محسوب می‌شده است چرا که خواهران
در روزگار سختی همراهی‌کننده روحی و پشتیبان عاطفی برادران بوده‌اند.

چایلاخدا بیر داشام من / سنل لاخلادیر آشام من
منه یادلار آغلا سین / باجیسیز قارداشام من (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ص ۸۶)
برگردان: در چشمه‌زار سنگی هستم / سیل جایگاهم را شل می‌کند تا بیفتم
برای من غریبه‌ها گریه کنند / من برادر بی‌خواهر هستم
در مقابل برادران نیز حمایتگرهای خواهران محسوب می‌شوند ایشان پشتیبان، حامی
و پشت و پناه خواهران هستند. می‌توان دانست که زنان پس از ازدواج همچنان از نظر
هویتی وابسته به خانواده خود محسوب می‌شوند و پشتیبانی خانواده، به خصوص برادران،
وضعیت زندگی ایشان را در میان اقوام شوهر بهتر می‌سازد. در برخی بایاتی‌ها زنان از
برادران خود کمک می‌خواهند تا در میان ایل غریبه از او پشتیبانی کنند. این موارد
نمایانگر تأثیرگذاری مثبت پشتیبانی برادر، در زندگی زنان است.
قارداش گل آی قارداش گل / قارلی داغلاری آش گل
غربت ائلده کیمسه میوخ / توکر گوزوم قان یاش گل (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ۵۶)
برگردان: برادر بیا، آهای برادر بیا / از کوه‌های پربرف عبور کن و بیا
در ایل غریبه بی‌کسم / چشمم اشک خونین می‌افشانند بیا
سراینده در این شعر از برادر خود می‌خواهد که کوه‌ها را پشت سر گذاشته، به
کمک او بیاید که در میان ایل غریبه به سختی و رنج روزگار می‌گذرانند. این بایاتی از
زبان یک زن سروده شده و به روشنی کمک‌خواهی زنان از برادران خود و تکیه کردن
به ایشان را روشن می‌سازد.

۴.۴. جایگاه دختر

بر اساس نظام اجتماعی و فرهنگی مردم آذربایجان، مردان بر زنان برتری دارند. مرد بودن
بالذات سبب افتخار و شرف است. این مسئله در تولد فرزندان بیش‌تر آشکار می‌گردد.
فرزندان پسر نسبت به فرزندان دختر ارجحیت دارند. در این نظام فرهنگی به دنیا آوردن
فرزندان ذکور باعث سربلندی و پشت‌گرمی است. پدران از داشتن فرزندان پسر به خود
می‌بالند و از داشتن فرزند دختر احساس سرشکستگی می‌کنند. این مسئله به خصوص
زمانی که فرزندان به صورت پیاپی دختر یا پسر باشند اهمیت بیش‌تری می‌یابد. زنانی که
پی‌درپی فرزند پسر به دنیا می‌آورند باعث سربلندی و افتخار خود و همسرشان می‌گردند

در مقابل زنان دخترزا نکوهش می‌شوند. از این رو در بایاتی‌ها مردان می‌خواهند که زنان فرزندان پسر به دنیا آورند.

گلین گلین قیز گلین / ال آی‌اغی دوز گلین
یئندی اوغلان ایسترم / سون بشیگین قیز گلین (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ص ۸۳)
برگردان: عروس، عروس، دختر عروس / دست و پایش درست عروس
هفت پسر می‌خواهم / ته تغاری دختر، عروس
میوه گرک تر اولسون / اولاد گرک نر اولسون
ایگیده یاراشیق‌دیر / آد قازانسین، ار اولسون (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۳۸)
برگردان: میوه باید تر باشد / اولاد باید نر باشد
برای جوانمرد برازنده است / نام نیک داشته باشد، شوهر باشد
مسئله اولویت فرزندان ذکور در مقایسه خواهران و برادران نیز دیده می‌شود. به دلیل ارزش ذاتی پسران بر دختران، هنگام مقایسه برادران نیز بر خواهران ارجح هستند و زندگی برادران با ارزش‌تر از زندگی خواهران است.

قارداشلار های قارداشلار / یاغیش یاغار، قار باشلار
اولسه باجیلار اولسون / هئچ اولمه‌سین قارداشلار (بایاتی، ۱۳۹۹: ۱۹۱)
برگردان: برادران، های برادران / باران می‌بارد، برف شروع می‌شود
اگر قرار به مرگ باشد، خواهران بمیرند / هرگز برادران نمیرند
در این نظام فرهنگی اهمیت برادر از معشوق و محبوب نیز بیش‌تر است و در صورت لزوم انتخاب میان برادر و معشوق، برادر انتخاب می‌شود.

باختیم قارادیر باشدان / قلبیم قایم‌دیر داشدان
بیر آلاگوز یار اوچون / کنچمک اولماز قارداش‌دان (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۷۴)
برگردان: بختم از سر تا پا سیاه است / قلبم از سنگ هم استوارتر است
به خاطر یار چشم‌سبز / نمی‌توان از برادر گذشت

۵.۴- اداره امور خانه

زنان در فرهنگ آذربایجان مسئولیت امور خانه را به عهده دارند. ایشان باید امور مربوط به داخل خانه چون پخت و پز، دوخت و دوز، پذیرایی از مهمان را به انجام رسانند. امور خارج از خانه به عهده زنان نبوده است. مردان این مسئولیت‌ها را در برخی

بایاتی‌ها به زنان گوشزد کرده‌اند. گاهی نیز نارضایتی خود را از ناپختگی تازه‌عروس‌ها در زبان شعر بیان نموده‌اند.

ساماواری قور گلین / بورغوسونو بور گلین
اگر منیم یاریمسان / گل قارشیمدا دور گلین (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۱۸۹)
برگردان: سماور را روشن کن عروس / دماغه‌اش را بیچان عروس
اگر یار من هستی / بیا روبروی من بایست، عروس

گلین بیر آش بیشیردی / گوزونده یاش بیشیردی
بوتون گونو ایشله‌دی / ائله بیر داش بیشیردی (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۲۱۶)
برگردان: عروس یک آشی پخت / با چشم اشکبار غذا پخت
تمام روز کار کرد / انگار که سنگ پخت
با توجه به نشانه‌های زبانی به کار رفته، سراینده این بایاتی‌ها مردان هستند اما زنان نیز در برخی بایاتی‌ها حین صحبت از مسائل عاطفی و روحی خود به نقش‌های خود اشاره کرده‌اند.

آلما آتدیم نار گلدی / کونیک تیکدیم دار گلدی
قایی یا کولگه توشدو / بئله بولدوم یار گلدی (اصیل بایاتی‌لار، ۱۳۷۶: ۱۰۳)
برگردان: سیب انداختم انار به دستم افتاد / پیراهن دوختم تنگ شد
روی در سایه افتاد / گمان کردم یاد آمد

بیر گول اکدیم خار اولدو / کونیک بیچدیم دار اولدو
جفاسینی من چکدیم / اوزگه سینه یار اولدو (اصیل بایاتی‌لار، ۱۳۷۶: ۹۱)
برگردان: یک گل کاشتم خار شد / پیراهن دوختم تنگ شد
جفای او را من تحمل کردم / یار غریبه‌ای شد

۴-۶ وابسته در امور مالی

در فرهنگ مردم آذربایجان تأمین معاش و مسائل مالی به عهده مردان است و زنان هیچ‌گونه مسئولیتی در امور مالی ندارند. زنان از نظر مالی وابسته به مردان هستند اما این وابستگی وجه منفی ندارد. مسئولیت‌های مالی به عهده مردان است و به صورت نقش‌های

مردانه تعریف شده است. در فرهنگ مردم این منطقه، توانایی مالی عامل هویت‌بخش برای مردان محسوب می‌شده است تا جایی که در سروده‌های زنان، مردانی که دارای توانایی مالی بیشتری هستند مرد خوانده شده‌اند و مردانگی ایشان با توانایی مالی‌شان سنجیده می‌شود.

عزیزیم دامیدا وار / دام اوستن دامیدا وار
کیشلیک آیری زاددیر / بوغ ساققال هامیدا وار (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ۲۹)
برگردان: عزیز من خانه دارد / علاوه بر این، خانه دیگری دارد
مردانگی چیز دیگری است / ریش و سیل را همه دارند.

در این بایاتی به وضوح توانایی مالی یک مرد عامل اصلی مردانگی او خوانده شده، سایر مشخصه‌هایی که مردان به طور عمومی دارند فاقد ارزش دانسته شده است. زنان در برخی سروده‌ها از عاشق خود که توانایی مالی ندارد می‌خواهند که با ایشان ازدواج نکند و باعث بدبختی ایشان نشود.

عزیزیم آلما منی / سئودایا سالما منی
سندن ائو تیکن اولماز / یازیغام آلما منی (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۲۱۸)
برگردان: عزیز من با من ازدواج نکن / مرا به عشق مبتلا نکن
تو نمی‌توانی خانه بسازی / من بیچاره‌ام با من ازدواج نکن
توانایی مالی مردان در میان مردم آذربایجان تا جایی اهمیت دارد که به مردان فقیر دختر نمی‌داده‌اند.

داغلارین شاختا قاری / دورد یانی اولدو باری
کاسیبا قیز وئرملر / کسلیسین قایدالاری (بایاتی‌لار، ۱۳۹۹: ۲۳۰)
برگردان: برف یخبندان کوه‌ها / چهار طرف برفی شد
به فقیر دختر نمی‌دهند / قاعده‌هایشان بریده شود

۴-۷ ابزار کام‌جویی

یکی از تصویرهای پربسامد در بایاتی‌ها توجه به زیبایی‌های زنان با نگاهی جنسی است. در این سروده‌ها غالباً زبان مردانه است و سراینده‌گان به اندام‌های جنسی زنان توجه دارند و اغلب با جایگزین کردن نشانه‌های استعاری به جای اندام جنسی، از این مقوله

سخن گفته‌اند. نشانه‌های استعاری به کار رفته در این زمینه؛ شمامه، به، سیب، انار که همگی استعاره از اندام جنسی زنان است. در بسیاری از سروده‌ها نیز به پوست سفید زنان توجه ویژه شده است و این مسئله نشان می‌دهد که زنان با پوست سفید محبوبیت بیش‌تری داشته‌اند.

عزیزیم باغ سینه / صیاد کئچه داغ سینه
باخدیم هوشوم آپاردی / مرمر بوخاق، آغ سینه (بایاتی لار، ۱۳۹۹: ۹۹)
برگردان: عزیزم سینه‌اش باغ است / صیاد بگذرد سینه‌اش داغ می‌شود
نگاه کردم هوش از سرم برد / غبغب مثل مرمر، سینه سفید
آیاغیندا چکمه‌سی / قیزیلداندی دویمه‌سی
هشیوایا نارا بنزر / قوینونداکی میوه‌سی (بایاتی لار، ۱۳۹۹: ۱۱۶)
برگردان: در پایش چکمه دارد / دکمه‌اش از طلا است
شیه به یا انار است / میوه‌ای که در بغل دارد

زن درخواست‌کننده رابطه

درخواست ارتباط و کام‌جویی تنها از جانب مردان مطرح نمی‌شود گاهی این درخواست از جانب زنان مطرح می‌گردد اما بسامد این درخواست از زبان زنان بسیار کمتر از مردان است. اندک بودن بسامد این نوع سروده‌ها ممکن است به دلیل تابوهای اجتماعی باشد که درخواست رابطه از جانب زنان مورد تأیید نبوده است. نشانه‌های زبانی به کار رفته در برخی سروده‌ها بر زن بودن سراینده‌گان دلالت دارد.

آی دئیلم، اولدوزام / گلین دئیلم، قیزام
قاییدا دوران اوغلان / گل یانیمما، یالقیزام (بایاتی لار، ۱۳۹۹: ۱۸۶)
برگردان: ماه نیستم، ستاره‌ام / عروس نیستم، دخترم
پسری که دم در ایستاده‌ای / بیا نزد من، تنها هستم
الترین آلدیم اوغلان / قوینوما سالدیم اوغلان
وعده وئردین گلمه‌دین / انتظار قالدیم اوغلان (بایاتی لار، ۱۳۹۹: ۱۸۸)
برگردان: دست‌هایت را گرفتم ای پسر / در گردنم انداختم ای پسر
وعده دادی نیامدی / در انتظار ماندم ای پسر

در برخی سروده‌ها این درخواست بسیار پوشیده مطرح می‌شود و این مسئله با شرایط عرفی و فرهنگی جامعه ارتباط دارد که درخواست خلوت از جانب زنان امری نامتعارف شمرده می‌شود.

گلیردیم باغ آراسی / تاپدیم مخمل پاراسی
یایلیق گتیر گول آپار / خلوتدیر باغ آراسی (اصیل بایاتیلار، ۱۳۷۶: ۱۱۶)
برگردان: در میانه باغ می‌آمدم / تکه‌ای مخمل پیدا کردم
رو سوری بیاور و گل ببر / میانه باغ خلوت است

۵. نتیجه‌گیری

ترانه‌های محلی بازتاب‌دهنده فرهنگ، آداب و رسوم و باورهای مردم هر منطقه و اقلیم است. بایاتی‌ها یکی از انواع ترانه‌های محلی مردم آذربایجان است که به دلیل محبوبیت در میان عموم مردم، از دیرباز، به صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه نقل شده است و در این انتقال بخش قابل توجهی از فرهنگ مردم آذربایجان را منعکس می‌سازد. نشانه‌های زبانی به کار رفته در بایاتی‌ها آشکار می‌کند که بسیاری از سروده‌ها نشانه‌های جنسیتی مردانه یا زنانه دارند. نشانه‌هایی که بر مرد بودن یا زن بودن سراینده‌گان دلالت می‌کند. در صدای زنان بسیاری از مسائل و مشکلات ایشان نیز بازتاب یافته است. اگرچه بر اساس یافته‌های پژوهش تصاویر ارائه شده از زنان اغلب مثبت است اما وجود اعتراض‌های زنان به مسائلی چون ازدواج اجباری، ازدواج با مردان پیر یا مردان ازدواج کرده، نمایانگر آن است که زنان برای زندگی خود نمی‌توانستند به صورت مستقل تصمیم‌گیری کنند. لکن وجود تقاضای ازدواج از جانب دختران یا وجود ازدواج ربایشی نشان می‌دهد که هنگام وجود عشق، عاشق و معشوق برای رسیدن به مقصود تمام سختی‌ها را به جان می‌خرند. با توجه به مضامین بایاتی‌ها، تقاضای ازدواج ربایشی از جانب دختران نیز در زمانی که عشقی دو طرفه جاری بوده، رواج داشته است؛ بنابراین دختران در هنگام عاشقی حاضر بودند حتی قراردادهای اجتماعی را که مانع وصال ایشان بوده، نادیده بگیرند. وجود چنین بایاتی‌هایی نشان می‌دهد که رابطه بین مرد و زن در فرهنگ آذربایجان مبتنی بر عشق است و عاشق و معشوق حاضرند وجود خود را برای دیگری قربانی کنند. به‌طور کلی در نظام اجتماعی مردم آذربایجان، مرد بودن بالذات دارای افتخار و شرف است درحالی که زنان به دلیل

فروستگی در جایگاه پایین‌تری نسبت به مردان قرار دارند. این مسئله در تولد فرزندان دختر و پسر یا مقایسه خواهران و برادران بیش‌تر آشکار می‌شود. تولد فرزندان پسر سبب افتخار و سربلندی و تولد فرزندان دختر، به خصوص اگر پیاپی باشند، سبب سرشکستگی است.

دیگر یافته مهم پژوهش نگاه به زنان به‌عنوان ابزار کام‌جویی است که با زبانی صریح مورد توجه قرار گرفته است. درخواست کام‌جویی از جانب مردان با بسامد بسیار بالا بازتاب یافته است. این درخواست اگرچه از زبان زنان نیز بیان شده اما بسامد بسیار کمتری دارد. شاید بسامد کم این مسئله به دلیل مسائل و محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی است.

اداره امور خانه مسئولیت زنان و امور مالی وظیفه مردان است. زنان در امور مالی وابسته مردان هستند اما این وابستگی وجهه منفی ندارد. مسئولیت مالی به‌عنوان نقشی مردانه تعریف شده و عاملی هویت‌بخش برای مردان محسوب می‌شود.

خصوصیات یا برجسب‌های منفی نسبت به زنان در این سروده‌ها مشاهده نمی‌شود. تنها خصوصیتی چون بی‌وفایی یا دعوایی بودن به‌عنوان خصوصیات منفی زنان بیان شده است و برجسب‌های منفی که در سایر فرهنگ‌ها برای زنان به صورت کلیشه‌ای به کار رفته، در بایاتی‌ها نمود ندارد.

منابع

- ابتکاری، محمدحسین؛ حیدری، آرمان؛ محقق، عبدالمجید (۱۳۹۶). واکاوی مفهوم زن در ضرب‌المثل‌های لری با تأکید بر بعد نابرابری جنسیتی، دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، ۵ (۱۷): ۱۹۵-۲۲۱.
- اسرافیلی، حسین (۱۳۸۷). دوبیتی‌های آذری، مجله شعر، ۱۶ (۶۰): ۱۹-۱۶.
- اصیل بایاتیلار (۱۳۷۶). مجید عبدالله زاده، تبریز: یاران.
- اعزازی، شهلا (۱۳۹۰). دگرگونی در نقش زنان، تهران: علم.
- امرایی، آرش؛ بازوند، علی (۱۳۹۹). نگاهی به بومی سروده‌های لرستان، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران‌زمین، ۲۹ (۳): ۷۲-۵۱.
- امین‌الرعایا، پروین؛ شریفی، شهلا؛ الیاسی، محمود (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های منتسب به زنان در ضرب‌المثل‌های فارسی، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۱۲ (۳۴): ۱۲۰-۸۹.
- بایاتی‌لار (۱۳۹۹). محمد عبادی قاراخانلو، چاپ ششم، تبریز: اختر.
- پورنعمت رودسری، منیژه؛ بذرافکن، مهتا؛ روحانی، علی (۱۳۹۳). لالایی‌ها: دغدغه‌های زنانه، بازنمایی اجتماعی لالایی‌های استان بوشهر، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، ۶ (۲): ۲۸۱-۲۶۵.
- پیشگامی‌فرد، زهرا؛ زمانی، عظیم؛ عزیزی، فرید؛ محمدی، احد (۱۳۹۵). بازنمایی روایت‌های هویتی در فضای مجازی تأکید بر آرای میشل فوکو، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، ۱۱ (۲۸): ۳۷-۹.
- خزلی، مسلم؛ سلیمی، علی (۱۳۹۵). زن در ضرب‌المثل‌های کردی و عربی، نشریه ادبیات تطبیقی، ۸ (۱۵)، ص ۱۳۵-۱۱۳.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۹۴). هویت اجتماعی، مترجم تورج یاراحمدی، چاپ دوم، تهران: پردیس دانش.
- دوپووار، سیمون (۱۳۹۶). جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی، چاپ دهم، تهران: توس.
- شعبانی، منصور، صراحی، محمدحسین (۱۳۹۵). بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های گیلکی (گونه اشکورات)، فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، ۴ (۱۱): ۷۸-۵۷.
- طوسی نصرآبادی، محمدرضا (۱۳۹۴). وزن در بایاتی‌های ترکی آذربایجانی، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۵ (۹): ۱۶۱-۱۴۹.

- فاضلی، نعمت‌الله؛ ملکی، ابراهیم (۱۳۹۰). بررسی بازنمایی زنان در ترانه‌های فولکلوریک زبان کردی، فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی، ۶ (۱۶): ۸۹-۱۱۴.
- کاظمی جویباری، محمد (۱۳۷۷). تحلیل مردم‌شناسانه ترانه‌های بومی آذربایجان، مجله شعر، ۶ (۲۲): ۱۲۶-۱۲۰.
- کریمی، جلیل؛ قلی‌پور، سیاوش؛ علیمزاد، زینب (۱۳۹۹). بازنمایی هویت زن در ضرب‌المثل‌های لکی، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۲ (۴): ۶۵-۸۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- محمدپور، احمد؛ کریمی، جلیل؛ معروف پور، نشمیل (۱۳۹۱). مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی (مورد مطالعه گویش سورانی، مکرانی)، زن در فرهنگ و هنر، ۱۳ (۳): ۶۵-۸۳.
- محمدی، جلال (۱۳۷۶). شعر بومی آذربایجان در یک نما، مجله شعر، ۵ (۲۱): ۶۴-۶۹.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۸). جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی، تهران: گل‌آذین.
- مدرّسی، یحیی (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ملکی، ابراهیم (۱۳۸۹). بررسی بازنمایی زنان در ترانه‌های فولکلوریک لکی و لری، فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۷ (۴۹): ۲۵۰-۲۱۹.
- موحد، مجید؛ عسگری چاوردی، محمدجواد؛ یادعلی، زهرا (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس، زن در فرهنگ و هنر، ۴ (۲): ۱۲۰-۱۰۱.
- هاشم‌زاده، سلیمان (۱۳۷۷). تحقیقی در موسیقی آذربایجان، ارومیه: جهاد دانشگاهی.
- هال، استوارت (۱۳۹۳). معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نی.
- یول، جورج (۱۳۸۵). بررسی زبان، ترجمه علی بهرامی، تهران: رهنما.
- Lakoff, R. (1973). Language and womans place. Language in society. 2 (1). Pp 45-80
- Trudgill, p. (1992). Introducing language and society, london: Penguin.

